

بیش در برنامه رودست

امیرفیض- حقوقدان

بنده هم از بینندگان برنامه های رودست هستم، در برنامه اخیر رودست که جنبه دفاع شخصی داشت در حاشیه تمرکز بر بیش جامعه، مطلبی مطرح شد که تداوم مشروعیت رژیم سلطنت مشروطه ایران به چالش کشیده بود، لذا تکلیف تنظیم این تحریر وارد گشت.

اجمالی از گوشوارهای برنامه

بنظر رودست:

مشکل، بیش است و آنهم در حدی که آقای امید دانا اعلام کردند > پس از دو سال کار سیاسی فهمیدم که ای دل غافل ما از نظر بیشی خیلی مشکل داریم * حتی فعالین سیاسی مان هم از نظر بیشی خیلی مشکل داریم * - ما از نظر بیشی بمقدار زیادی راه ایرانشهر را درک کردیم * و امروز مافقط باید روی بیش مردم کار کنیم * - ما دو مشکل داریم یکی شناخت تاریخ و فرهنگ ایران و یکی هم دشمنان تاریخ و فرهنگ ایران - * ما امروز فقط روی روشنگری - صرفاً آگاهی رسانی کار میکنیم * ما از کار سیاسی ناامید شده ایم * کار ما فقط آگاهی رسانی است و.....

بنده بعنوان یک شنونده علاقمند و آشنای به عبارات و صیغه های بیان مطلب رودست، اینطور استنباط کردم که:

۱- فعالیت سیاسی آقای امید دانا (رودست) پس از ۲ سال به علت ناامیدی تبدیل شد به فعالیت برای رفع مشکل از بیش مردم.

۲- ایجاد بیش سیاسی برای فعالین سیاسی.

۳- الگوی این تغییرات و دگرگونی ها راه ایرانشهر است که ایشان یعنی آقای امید دانا به درک آن موفق شده اند.

۴- ابزار کار ایشان برای ایجاد دگرگونی در بیش مردم ایران عبارتست از روشنگری - آگاهی دادن و افشاگری.

واما بعد

این تحریر قاصد این معرکه نبود که دامنه بحث و گفتگو به حواشی مدافعات آقای امید دانا کشیده شود و قصد تحریر تنها در رابطه با اظهارات ایشان نسبت به موقعیت سلطنت ایران و نادیده گرفتن اصل تداوم مشروعیت سلطنت مشروطه ایران بود و هست ولی اتصالات اظهارات ایشان به موضوع تداوم سلطنت،

طوری است که اگر مسئله توسل ایشان به بینش مطرح نشود و باب صلاحیت ایشان در بینش زدائی زیر سوال نرود بیم آثار متعلق به سکوت آن، ظرفیت لازم را برای اعتراض به اظهارات ایشان نسبت به تداوم سلطنت را ضعیف خواهد ساخت.

بنابراین این تحریر اجازه می‌خواهد قبل از ورود به بحث اساسی مورد نظر که همان نقد ناموجه تداوم سلطنت در برنامه رودست است نسبت به توجه و دید خاص رودست به مسئله بینش گفتگویی داشته باشیم.

بینش چیست و آگاهی کدام است

بینش، یعنی دید صحیح و دقیق فلسفی نسبت به مسائل فعال، یعنی بصیرت و تسلط و درک کامل به دور از تردید و مناقشه نسبت به واقعیت‌ها، و این بدان معناست که دامنه بینش محدود به اوضاع و احوالی است که انسانها درهاله های آن تنیده شده اند و بینش آنها موثری کامل در گردش چرخ اجتماع از هر نظر و بابت خواهد بود. لذا بینش نسبت به نسلهای گذشته و ایام سابقه، بینش محسوب نمیشود بلکه مطالعه و بررسی تاریخی نامیده میگردد.

اگر غالباً واژه بینش، در کنار منش و پندار، در کنار کردار بکار گرفته میشود برای این است که بینش و منش لازم و ملزومند و بینش، در محیطی میتواند عمل کند که منش بتواند به آن بینش جامه عمل بپوشاند.

توضیح مزبور بدانجهت به تصدیع رفت که، بینشی که فعال نباشد، بینش نیست و یادگار تاریخی است و در تطبیق مورد، بینش خواست رودست متوجه همین باورهای حاکم بر جامعه کنونی ایران میشود نه بینش های زمان ساسانیان و غیره.

بصیرت که به معنای بینش است، در مکاتیب و ادیان الهی از اسماء و صفات خدا معرفی شده و قرآن هم ۵۰ بار از واژه بصیرت خدا یاد کرده است.

این اشاره فشرده بدان جهت آورده شد که بدانیم بینش مسئله کوچکی نیست که هر کس مدعی داشتن و انتقال آن به جامعه باشد و یا بخواهد و یا بتواند که در بینش جامعه تحولاتی بوجود بیاورد.

در فلسفه متافیزیکی (اسلام) بینش و بصیرت همان است که در قرآن و سنت محمد و ائمه و (تشیع) یاد شده است و غیر آن هرچه هست بینش و بصیرت شناخته نمیشود در مواردی کفر هم است.

در جوامع آزاد، بینش، همان است که از طریق اراده مردم بصورت قانون درآمده و دولت موظف است که آن بینش ها را به مردم ارائه و در جهت رعایت آن مدیریت باشد.

بینش، اسم مفعول است و نیازی به فاعل دارد. دادن بینش به جامعه که بکرات در برنامه رودست آمده، در جایگاه التقاط معنا و مفهوم قرار ندارد؛ زیرا معلوم نیست که رودست، در مقابل توقف کار مبارزه چه بینشی قرار است به جامعه داده شود. چراکه هرچه در عالم هست در گروهی قرار گرفته که بینش پذیر و نیازمند است. از جمله بینش دینی - بینش اقتصادی - بینش سیاسی - بینش ستاره شناسی، بینش سلامتی و خوراک - بینش سکولاریسم و بسیاری نظیر آن ها همه در قلمرو بینش

قرار دارند. همین جمهوری اسلامی غاصب درکلاسهای دینی خود بیشهای زیر را تدریس و آموزش میدهد بیش دینی - بیش انقلابی - بیش قلبی - بیش مهارتی و چند رقم دیگر که یادم نیست.

کاربرد وسیع بیش

دامنه وسیع کاربرد بیش ممکن نمیسازد که کسی نیازمندی های بیشی حتی یک واحد بشری را فراهم سازد تا چه رسد که بتواند آنرا به جامعه تحمیل کند.

اگر قبول کنیم که هرکس صلاحیت دادن بیش، حتی یک نوع محدود آنرا داشته باشد تعارض بیش ها جامعه رابه هرج و مرج میکشاند. بهمین دلیل بیشهایی قابل احترام و مجازبه حرکت هستند که از نصوص شرعی و یاقانونی پشتیبانی شده باشند به ملاحظه همین حساسیت است که هیچگاه از فیلسوف بزرگی شنیده نشده است که گفته باشد میخوام بیش جامعه را تغییر بدهم و یا بیش خودش رابه جامعه تزریق کند و یا کمبود جامعه را از باب بیش تکمیل نماید و یا حتی امید وار باشد که با دادن اطلاعات و برنامه اجرا کردن مردم بیشهای جدیدی را جایگزین خواهند ساخت و اگر کسی هم از این خط، قدری منحرف شود جامعه اسلامی عنوان شرک و جامعه غیردینی، عنوان خودبزرگ بینی به او میدهد.

مبنای صلاحیت

آقای امید دانا صلاحیت خودشان را برای اصلاح و یا بوجود آوردن بیش برای مردم ایران درک راه ایرانشهر میدانند > بنده امید وارم که ایشان دروزن این صلاحیت خودشان تجدید نظر کنند و اساسا درک راه ساسانیان یک تحقیق تاریخی است، مبارکشان باد، ولی ایجاد صلاحیت برای ایشان در تغییر بیش حاکم بر جامعه ایرانی را نمیکند.

اظهار تاسف بنده نسبت به ابراز صلاحیت آقای امید دانا به این جهت است که در صورت سکوت و تانید صلاحیتی که ایشان برای خودشان قائل شده اند، اثرات این اظهار نظر فاجعه آمیز متاثر بر اظهار نظر ایشان نسبت به سلطنت هم خواهد شد. زیرا کسی که صلاحیت تغییر و یا اصلاح بیش ملت ایران را داشته باشد حتما صلاحیت اظهار نظر های دیگر از جمله نسبت به سلطنت را هم خواهند داشت.

ساخت بیش ها

بیش های جوامع مانند فرهنگ و منش در طول قرون متمادی ساخته میشود و بسیار آهسته دستخوش تغییرات میگردد، نباید آنقدر خوش باور باشیم که تصور کنیم با نوشتن مقالات، شورا ها و یا سخنرانی ها قادر خواهیم بود که بیش حاکم بر جامعه را تغییر بدهیم.

قبول و یا تحمیل بیش مورد نظر آقای امید دانا دوچندان با مشکل و مانع و مقاومت مردم روبروست که جمهوری اسلامی میخواد بیش اسلامی خود رابه کشورهای دیگر طبق قانون اساسی اش صادر کند.

یکی از ممرهای تحدید ویا اسقاط بینش ها (بغیر از گذشت زمان) اختلاط ملتها ویا جنگ و خونریزی های وسیع است، نه با برنامه ساختن و صحبت کردن و امثال آنها. مردم در مقابل بینشهای وارداتی مقاومت میکنند.

۲۰۰ سال ایرانیان در مقابل بینشهای اسلامی وارداتی اعراب مقاومت کردند خونها دادند تا به اجبار بینش اسلامی آنها را آنهم بصورت ناقص و استحاله شده قبول کردند.

فوق بین بینش دادن و آگهی رساندن و

در بینش، بینش دهنده، حرف آخر را به اعتبار بصیرت و صلاحیت خود میزند ولی در آگهی دادن آگهی دهنده، ملاحظات، شنیده ها، نقل قولها، نظرات دیگران و خود و تجربیات حاصله را به مردم میدهد بدون اینکه ادعای بصیرت و صاحب نظری بکند و آن مردم هستند که پذیرای آن میگردند و یا نه.

روشنگری، تجزیه تحلیل و تشریح و رفع ابهام از مطالب است که به نقد مطالب هم گفته میشود.

افشاگری، آشکار ساختن راز و پوشیده های دیگران است که عمل پسندیده شناخته نمیشود مگر موثر در جلوگیری از جنایتی یا فاجعه ملی بوده باشد.

هر سه این اعمال که مورد رغبت و برنامه کاری رودست به آزادی توقف کار سیاسی آقای امید دانا قرار گرفته

از ابزار کار سیاسی است نه بینش پروری.

تمام برنامه هائی که بنده مفتخرم از رودست دیدم جنبه آگاهی دادن به مردم و افشاگری را داشته نه بینش دادن به مردم. بخصوص که موضوع بینش جامعه، بسیار متنوع است و تصور میکنم که رودست با این عقیده موافق باشد که بینش مورد نظر رودست ممکن است بینش سیاسی و مذهبی باشد (در این مورد، تحریر وارد خواهد شد).

تنها آقای امید دانا نیست که برنامه هایشان طیف آگاهی دادن و افشاگری به مردم را دارد برنامه های بیشتر رسانه ها، همین آگهی رساندن به مردم است از جمله برنامه (صفحه آخر) دقیقا همانند برنامه های رودست آقای امید دانا کاملا افشا گرانه است. تمام فعالیت های اپوزیسیون آنطور که میگویند با هدف رساندن صدای مردم به خارجیان است که لااقل ۳۰ سال است ادامه دارد، افشاگرانه است.

من واقعا ندیده ام کسی از مخالفان جمهوری اسلامی تا کنون ادعای ایجاد بینش جدیدی برای ایرانیان کرده باشد. تنها موردی که نمیتوان از یاد برد همان اظهارات ناخوشایند اعلیحضرت است که نسبت به فرهنگ ایرانی فرمودند: **<تافرهنگ ایرانی تغییر نکند، به هیچ معجزه ای نمیتوان امیدوار بود>** و لزوم تجدید نظر در آنرا به ملاحظه وجود خرده شیشه! یادآوری فرمودند که همان موقع هم بیاناتشان در مقابل اعتراضات جدی قرار گرفت.

هدف در بینش و آگهی دادن

وقتی یک آگهی داده میشود؛ اعم از تجاری و یا سیاسی، هدفمان گرایش و ایجاد میل در مردم برای استقبال از آن آگهی است. وقتی آگهی، تجاری است معلوم است که غرض تحریک استقبال مردم از آن جنس است ولی وقتی مثلاً درباره مفاسد جمهوری اسلامی و یا افراد وابسته به آن جمهوری آگاهی و اطلاعات به مردم میدهم هدفمان ممکن است دوجیز باشد یکی اینکه قصدمان تحقیر آن افراد باشد و فرض دیگر که مورد قبول این تحریر است این است که مردم، جمهوری اسلامی را در حدی بشناسند که از آن جدا شوند. در این حالت همانطور که در آگاهی های تجاری، کالای جانشین معرفی و مشخصات آن ارائه میشود، در آگاهی رسانی راجع به جمهوری اسلامی هم باید از انتقاد و محکومیت جمهوری اسلامی نتیجه گرفت و با اعلام عدم مشروعیت جمهوری اسلامی نظام قانونی و مشروع که همان تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت و نظام سلطنتی ایران است را ارائه داد و این کار از مقدمه تا موخره آن کار سیاسی است یعنی **اطلاع رسانی** جاده ای میشود برای امکان حرکت کار و مبارزه سیاسی برای رسیدن به هدف سیاسی

در دو کلمه آگاهی دادن و افشاگری بدون کار سیاسی شانناژ و باج گیری است.

باور نادرست

اینکه آقای امید دانا تصور میکنند چون بسیاری در جهت انتقاد و محکومیت جمهوری اسلامی فعالند دیگر نیازی به کار سیاسی برای رودست نیست، خطاست، خیلی هم خطاست زیرا:

← بنابر آمار منتشره در سال ۱۳۹۳ > تعداد ۱۲۰ رسانه فارسی زبان در خارج از کشور علیه جمهوری اسلامی برنامه تولید و پخش میکنند < و همه آنها هم افشاگری و اطلاعات میدهند بنابراین دیگر چه لزومی دارد که مثلاً آن ۱۲۰ رسانه با ورود رودست بشود ۱۲۱ در حالیکه رودست بطور کلی تمایلی به مشارکت و تکرار موضوعات ندارد و آنچه هست را کافی میداند.

← جاده ای که آن رسانه ها با انتقادات و برنامه های خودشان فراهم میکنند برای برقراری جمهوری و یا تجزیه ایران و یا معاملات با بیگانگان است، نه جاده ای که سلطنت طلبان از آن برای برقراری نظام سلطنت مشروطه و تداوم آن استفاده کنند. اصل این است که این سلطنت طلبان هستند که باید جاده حرکت اعتقادات سیاسی و از قوه به فعل در آوردن آنرا فراهم سازند. (سلطنت طلب بصورت اختصار آمده، منظور نظام پادشاهی مشروطه بر اساسی قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن است).

ما وقتی از اسلام و حاکمیت تشیع انتقاد میکنیم با چه هدفی به دنبال این کار هستیم که فلسفه پوسیده ۱۴۰۰ سال قبل را شلاق میزنیم آیا قصد خودنمایی و بذل دانش داریم؟ مسلماً خیر، قصد ما تضعیف جمهوری اسلامی است. خوب، جمهوری اسلامی تضعیف هم شد آیا در این صورت خلاء حاصل را هر که پر کرد برای ما بی اهمیت است؟ یا خیر همه تلاش ما از تضعیف جمهوری اسلامی استقرار رژیم بحق پادشاهی در طیف تداوم اجرائی قانون اساسی مشروطیت است؟ اگر دومی است که هست پس تمام فعالیت سلطنت

طلبان از جزء وکل حتی تنفس آنان با هدف کارسیاسی و دستاورکاریسیاسی برای رسیدن به یک خواست سیاسی است.^۱

← باورهای نادرستی که برخی از ایرانیان نسبت به جمهوری اسلامی و حتی اسلام و تشیع دارند چیزهایی نیست که با یکی دوبارو یا یکی دوسال، رسوب کرده باشد قرن‌ها و سالهاست که مکرر در مکرر تجدید و آبیاری فہمی و روحی شده است؛ اینکه رودست مدعی است که <اگر مردم نمیفہمند هزار بار ہم یگونیم بی فایده است> درست نیست.

آندره ژید فیلسوف فرانسوی گفته است:

<ہمہ چیزگفته شده است ولی تازمانی کہ کسی نشنود ما ادامه میدہیم و ازابتدا شروع میکنیم>.

قشری های اهل تشیع ایران ۱۴۰۰ سال است روزانه روضہ حسین را میخوانند و ہنوز ہم باشدت بیشتری دنبال میکنند آیاکسی ازہمان ہا بہ خودشان گفته است بس است.

← در گفته های آقای امید دانا شنیدیم کہ ایشان <پس از ۲ سال مبارزہ سیاسی متوجہ شدند کہ ای دل غافل مردم نیازبہ بینش دارند> یاد بیت سعدی افتادم کہ گفته است:

کارمردان تحمل است و قرار من کیم خاک پاک مردانم

دوسال مبارزہ کہ چیزی نیست و بقول معروف پیش بچہ ہم بگذاری قہرمیکند زمان مبارزہ را مبارز تعیین نمیکند. مبارزہ محصول اعتقاد و ایمان شخص مبارزاست، اعتقاد است کہ انسان راواداربہ مبارزہ و حتی فداکاری و جانبازی میکند اعتقاد کہ نبود و یا ضعیف شد مبارزہ ہم حالت انحرافی و نمایشی پیدا میکند. و اولین کارش این میشود کہ ازخشونت و حتی صحبت آن فرارمیکند و البتہ کہ نمیگوید علت آن شمول قانون کمک مالی آمریکاست.

مبارزہ متناسب با هدف و قدرت و موقعیت دشمن است؛ آیا جمهوری اسلامی دشمنی است کہ با دوسہ سال مبارزہ شکستنی باشد؟ آیا جمهوری اسلامی ہیولائی است کہ با افشاگری و اطلاع رسانی منہدم شود؟ اگر اینطور بود اینہمہ رسانہ و گویندہ و ۱۲۰ رسانہ خارج ازکشور و بیشتر دادوغال اپوزیسیون کار جمهوری اسلامی را تمام کردہ بود؛ دیدیم نہ اینکه تمام نکرد کہ گردنکش ترہم شدہ است.

ایرانیان بعد از ۲۰۰ سال مقاومت درمقابل اعراب مهاجم بہ ایران، یک کمی توانستند بہ استقلال فکری برسند. عباسیان بعد از ۸۰۰ سال مقاومت و مخالفت، بقدرت رسیدند، ہمین آخوندهای حاکم کشورما از آغازمشروطیت مبارزہ کردند تا درفرصت مطلوب باکمک بیگانگان کشورمارا اشغال کردند.

اگر قاعدہ فلسفی آقای امید دانا بہ اینکه <اگر مردم نمیفہمد ہزار بار ہم بگونیم بی فایده است> عمومیت دادہ شود میرسیم بہ آنجا کہ (اگر جمهوری اسلامی رفتنی بود با دوسال کاریسیاسی رودست رفتہ بود و چون نرفته پس ہزار سال ہم کاریسیاسی بکنیم بی فایده خواہد بود).

۱ - قراموش نکنیم اعلیحضرت بارہا فرمودہ اند، با رسیدن بہ دموکراسی من بہ ۹۰ درصد آرزو ہایم رسیدہ ام. ح-ک

این میشود دقیقا یک نیروی بازدارنده مبارزه که مانند موریانه آماده خوردن کسانی است که از مبارزه خسته و یا منتظر بهانه ای برای کنار کشیدن از مبارزه هستند.

##

موضوع اصلی این تحریر که اظهارات رودست درباره سلطنت است و ادامه مطالب به فرصت دیگر.